

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد هشتم، تهران، ۱۳۷۷، ISAM 70902

ازرقی

۳۶

(ص) در سال ۶۴۴ ق آنان را به اسلام دعوت کرد (نک: طبری، ۶۴۴/۲). به هر حال، انتساب بنی ازرق به حارث موجب شد که در مکه از اشراف قلمداد شوند، تا آنجا که برخی از آنان با بنی امیه پیوند خانوادگی یافتند (ابن سعد، ۲۶۱/۸، ۲۴۷/۳؛ بلاذری، ۱۵۷/۱). از میان بنی ازرق دو تن از شهرت بیشتری برخوردارند:

۱. احمد بن محمد (د ۲۲۲ ق/۸۳۷ م). وی را ازرقی نیز نامیده‌اند (بخاری، التاریخ الکبیر، ۳/۲). درباره کنیه وی اختلاف است: بخاری (همانجا) و به پیروی از او برخی از محدثان و رجال شناسان بعدی (نک: ابن حجر، تهذیب، ۷۹/۱) کنیه او را ابو محمد آورده‌اند، در حالی که مزی (۴۸۰/۱) کنیه‌اش را ابوالولید دانسته، و گفته که او را ابو محمد نیز می‌خوانده‌اند. ابن حجر در تهذیب (همانجا) افزون بر ابوالولید، ابو عبدالله را نیز آورده است. سبکی (۶۴/۲) هم جز ابوالولید، او را مکنی به ابو محمد و ابوالحسن نیز دانسته است. وی در مکه می‌زیست (ابن حبان، ۷/۸) و از بزرگانی چون ابراهیم بن سعد زهری، ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی اسلمی، حماد بن شعیب حِجَانی کوفی، داوود بن عبدالرحمان عطار مکی، سفیان بن عیینه، فضیل بن عیاض، مالک بن انس و محمد بن ادریس شافعی حدیث روایت کرده است (مزی، ۴۸۰/۱-۴۸۱). محدثانی چون بخاری، حنبل بن اسحاق شیبانی، سعد بن عبدالله بن عبدالحکم مصری، ابوحاتم رازی، محمد بن سعد کاتب واقدی، ابوبکر محمد بن اسحاق صاعانی، یعقوب بن سفیان بسوی و ابوالولید محمد بن عبدالله ازرقی نواده‌اش نیز از او روایت کرده‌اند (ازرقی، ۳۱/۱، جم؛ مزی، ۴۸۱/۱).

ابن سعد (۵۰۲/۵) او را ثقه و کثیر الحدیث دانسته است. ابن حبان (همانجا) نیز او را در زمره ثقات آورده است و همچنین ابوحاتم رازی و ابو عوانه اسفراینی نیز او را توثیق کرده‌اند (مزی، همانجا). ابوزرعه رازی گفته است که ازرقی را دیده، ولی از وی حدیث ننوشته است (نک: ابن ابی حاتم، ۷۰/۱). ازرقی از اوصیای شافعی بوده است (ابن حجر، همانجا) و نویسندگان شافعی وی را «فقیه اهل مکه» دانسته، و یکی از اقران محمد بن ادریس شافعی بر شمرده‌اند (نک: بیهقی، ۱۹۹/۱-۲۰۰، ۳۲۹/۲، ابن کثیر، ۱۱۵؛ سبکی، همانجا).

بخاری که از ازرقی در صحیح خود حدیث نقل کرده (نک: کلاباذی، ۴۱۱-۴۲)، گفته است که بعد از ۲۱۲ ق او را ندیده (التاریخ الصغیر، ۲۹۷/۲)، و ابن حبان (همانجا) یادآور شده که ازرقی در همین سال درگذشته است (نیز نک: سمعانی، ۱۸۴/۱). در حالی که به گفته مزی (همانجا)، ازرقی در ۲۱۷ ق زنده بوده است و شاید بر همین اساس ابن حجر در تقریب التهذیب (۲۵/۱) سال درگذشت او را در همان تاریخ ذکر کرده است. با اینهمه، ذهبی به نقل از حاکم نیشابوری، سال درگذشت ازرقی را ۲۲۲ ق آورده (ابن حجر، تهذیب، همانجا)، و سبکی (همانجا) این تاریخ را دقیق‌تر دانسته است.

از ازرقی نوشته‌ای برجای نمانده است، اما می‌توان گفت که بیشتر بخشهای کتاب اخبار مکه اثر نواده‌اش ابوالولید، مدیون روایات وی

آنان، چگونگی انتصاب یا استیلای آنان و نیز انساب بعضی از قبایل یمنی ساکن موصل و پیرامون آن، شرح حال بزرگان و شعرا این قبایل، محل زندگی و موطن اصلی آنان، نیز نمونه‌هایی از اشعارشان، نقش آنان در جنبشهای سیاسی، رشادتها و تاریخ وفات آنان مورد توجه ازدی بوده است (نک: ص ۷۸-۱۰۲، ۱۴۵-۱۵۵، جم).

به رغم اهمیت تاریخ الموصل، نام ازدی و نیز دیگر آثارش به دست فراموشی سپرده شده است، با اینهمه، مؤلفان و مورخان چون مسعودی (همانجا) و ذهبی (سیر، ۲۸۲/۹، ۲۵۲/۱۲، جم) به او استناد کرده‌اند.

۲. طبقات المحدثین. این کتاب که گاه به نام طبقات العلماء بالموصل نیز خوانده شده (نک: مزی، ۵۱۲/۲۵؛ ابن حجر، لسان، ۲۶۲/۳)، هنوز به دست نیامده، اما ازدی خود در تاریخ الموصل از آن یاد کرده است (ص ۳۰۱). با توجه به استناد فراوانی که در مآخذ گوناگون رجالی به این کتاب شده، می‌توان به اهمیت آن پی برد. خطیب بغدادی از طرق روایی خود به این کتاب بسیار استناد کرده است (مثلاً نک: ۴۱۷/۵، ۱۳۲/۶، ۲۲۸/۱۳، ۴۲۸/۸، جم). ابن اثیر نیز آن را از مآخذ خود شمرده است (۱۱/۱). ابن ماکولا (۱۷۶/۱)، یاقوت (۶۵۸/۴) و ابن حجر عسقلانی (تهذیب، ۴۱۴/۳، لسان، ۲۵۹/۳، ۲۶۱-۲۶۲) از آن نقل کرده‌اند.

اثر دیگری که ازدی (ص ۹۶) خود از آن نام برده است، اما در مآخذ شناخته شده نامی از آن به میان نیامده، کتابی است به نام القبائل و الخطط که گویا در آن به شرح قبایل ساکن در شهر موصل پرداخته بوده است.

مآخذ: ابن اثیر، علی، اسد الغابة، بولاق، ۱۲۸۰ ق؛ ابن جمیع، محمد، معجم الشیوخ، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، مؤسسه الرساله؛ ابن حجر، احمد، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۷ ق؛ همو، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق؛ ابن ماکولا، علی، الاکمال، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۲ ق/۱۹۶۳ م؛ ازدی، یزید، تاریخ الموصل، به کوشش علی حبیب، قاهره، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷ م؛ خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ ق؛ ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام، حوادث و وفیات ۳۳۱-۳۵۰ ق، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۳ ق/۱۹۹۲ م؛ همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م؛ سیوطی، طبقات الحفاظ، بیروت، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م؛ مزی، یوسف، تهذیب الکمال، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۱۳ ق/۱۹۹۲ م؛ مسعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۸۴ ق/۱۹۶۴ م؛ یاقوت، بلدان.

عزت ملا ابراهیمی

ازرقی، شهرت افراد خاندانی از مردم مکه که دو تن از آنان به عنوان راوی و مؤلف در سده ۳ ق/۹ م نامبردارند. این خاندان اصلاً به ازرق، غلام رومی آهنگری از آن حارث بن کلدۀ ثقفی، طبیب مشهور عرب، نسب می‌برد. ازرق در غزوة طائف از جمله بندگان بود که به خدمت پیامبر (ص) آمد و سپس آزاد شد. نوادگان وی از نسل فرزندش سلمه، بعدها خود را از نسل حارث بن ابی شَیمر غسانی خواندند. این حارث از امرای غسان بود و گفته‌اند که از جمله امیرانی بود که پیامبر

Egrāli Uluh. b. Ahm. (Perk)
369. AL-AZRAQĪ (a. al-Walīd M. b. 'Al. b. A. b. M. al-Walīd), *Tārīkh Makka*, I-II, éd. Sa'īd 'Abd al-Fattāh (signature de l'éd. 1416/1995, i.e. La Mecque, al-Makt. al-tijāriyya, 1415/1995¹, 843 p.), La Mecque, Riyad, Le Caire, Makt. Muṣṣ. al-Bāz, 1427/2006; 17x24 cm., 843 p.

1. L'A., *adhuc viv.* 217/832, et même 241/855 (selon Rushdī al-Ṣāliḥ Malḥas): J. Fück, in *Et*, I, *GAL*, I, 137; *S* I, 209; Kahh, X, 195. Son grand-père étant mort en 222/836-7 (Subkī, *Ṭabaqāt*, II, 64, n° 9; Sam'ānī, *Ansāb*, I, 122: m. 212, date rejetée par Subkī), on peut supposer raisonnablement que lui-même mourut après 241, comme l'indiquent des événements qu'il signale dans son livre. Br. a probablement raison, qui le fait mourir peu après 244/858, à la suite de Wüstenfeld. Sam'ānī, *ibid.*, a 200, avec un blanc, montrant qu'il ne savait pas combien d'années après 200!

Nous n'avons pas fait suivre son nom d'une ethnique, tout comme Br. En effet, afin de faire oublier son humble origine, la famille prétendit descendre d'un clan des Taghlibites, puis de la famille royale ghassanide. En fait, il semblerait que l'ancêtre de la famille fût un esclave byzantin, d'où al-Azraq (l'homme aux yeux bleus). Il se rangea aux côtés de Mahomet, lors du siège de Taëf (8/630), fut affranchi et s'établit à La Mecque. L'*Histoire* présentée ici est une œuvre familiale qui contient beaucoup de données collectées, entre autres, par le grand-père de l'A., Abū al-Walīd A. b. M. b. al-Walīd b. 'Uqba b. al-Azraq (J. Fück, «Der Ahn des Azraqī», in *Studi orientalistici in onore di Giorgio Levi Della Vida*, Rome, I, 1956, 336-40). Elle renferme aussi des ajouts postérieurs à notre auteur, ainsi que l'avait déjà montré Wüstenfeld.

ii. F. Wüstenfeld, *Die Chroniken der Stadt Mekka*, I, *Geschichte und Beschreibung der Stadt Mekka* [K. Akhbār Makka], von Abu-Walid Muhammed ben Abdallah el-Azrakī, nach den Handschriften zu Berlin, Gotha, Leyden, Paris und Petersburg, auf Kosten der DMG hrsg. von Ferdinand Wüstenfeld, Leipzig, F.A. Brockhaus (in Commission bei), 1858, XXIX+518 p. [L'ensemble, *Die Chroniken der Stadt Mekka*, I-IV, 1857-61, a été réimprimé à Beyrouth, Khayat, 1964; I-IV en I, Hildesheim, G. Olms, 1981]; *Akhbār Makka wa mā fihā min al-āthār*, I-IV, éd. Rushdī al-Ṣāliḥ Malḥas, La Mecque, al-Maṭb. al-majdiyya, 1352-7/1933-8; réimpr. I-IV en I, Beyrouth, Dār al-Andalus, 1969²; Beyrouth, Dār al-Thaqāfa/La Mecque, Maṭābi' Dār al-Thaqāfa, 1399/1979³; toujours même éd., réimpr. La Mecque, Dār al-Thaqāfa, 1996: texte établi à partir de l'éd. Wüstenfeld et de trois mss.: 1. Médine, Maḥmūdiyya 53 tāriḥ, 278 p., ni date, ni copiste, incomplet, mais avec chaîne de transmission de l'ouvrage. 2. Médine Maḥmūdiyya, 96 tāriḥ, 407 p., complet, mais avec plus de lacunes que le précédent, avec chaîne de transmission. 3. ms. du Cheikh 'Abd al-Sattār al-Dihlawī de la Mecque, copié par lui d'un ms. de Dk., complet en deux parties, 285+233 p. Selon l'édit., le texte de ce ms. est si proche de l'éd. Wüstenfeld que l'on serait tenté de penser qu'il a été copié d'elle. Nous avons recensé l'éd. 'A. 'Umar, 1424/2004, in *MIDEO*, 27, n° 211.

iii. Ici réimpr. à l'identique de l'éd. mentionnée dans l'entrée de cette notice. Le texte en a été établi sur la base de trois mss.: 1. Riwaq al-Atrāk (i.e. Azhar) 945, 227 f. Copiste: 'Aq. b. 'A. b. Nāṣir al-Makkī al-Shāfi'i, dim. 2 raj. 908, ms. de base. 2. DK 1645 tāriḥ, 65 f., incomplet, microf. 34845. Du sébut du *juz'* I, au titre suivant: «*nuskhat al-sharḥ alladhī katabahu 'Al. b. Hārūn amīr al-mu'minīn* (i.e. al-Ma'mūn) *bi-khatti yadihi fī baṭn al-Ka'ba*» (au moment des stipulations de Hārūn al-Rashīd à l'endroit de ses deux fils, M. al-Amīn et 'Al. al-Ma'mūn). 3. DK 1328 tāriḥ, en deux parties, microf. 35521, que l'édit. n'a pas pu collationner pour sa première partie, le microf. étant illisible.

حسين بن قاسم بن محمد النعيمي, حمزة بن حسين بن قاسم النعيمي,
استدركات على تاريخ التراث العربي, قسم السيرة و التاريخ,
مج. السادس, جدة 1422, ص. 147-148. ISAM 90259.

آثار أحمد بن محمد بن الوليد الأزرقى

EZRAKI

٤٥٩ - أخبار مكة المكرمة (ذكره سزكين)
Ahmed L.

لأبي الوليد أحمد بن محمد بن الوليد بن عقبة الأزرقى (ت ٢٢٢ هـ)
Muhammed

• منه نسخة بمكتبة صامسون ، رقم (٨٠٥ / ١) ضمن مجموع ، أوراقها من

(آ - ٢٨٩ ب) منسوخة سنة ٦٥٤ هـ (٧) .

(٧) نوادر المخطوطات العربية في مكتبات تركيا : ١ : ٣٣١ .

• ومنه نسخة أخرى في مكتبة الملك عبد العزيز بالمدينة المنورة - خزانة المكتبة

المحمودية ، رقم (٢٥١٩) في (٢٠٣) ورقة (١) .

• ومنه نسخة أخرى في المكتبة المذكورة ، رقم (٢٥٢٠) في (١٤٢) ورقة (٢) .

(٢٠١) فهرس مخطوطات المكتبة المحمدية في المدينة المنورة ص ١٠٨ .

TERK

211. AL-AZRAQĪ (a. al-Walīd M. b. 'Al. b. A. b. M. al-Walīd), *Akhbār Makka*, I-II, éd. 'A. 'Umar, Le Caire, Maktabat al-Thaqāfa al-dīniyya, 1424/2004; 17x24 cm., 287+344 p., cinq indices.

Esrafi Ahmed b. Ullah

Pour l'A., *adhuc viv.* 217/832, et même 241/855 (selon Rushdī al-Šāliḥ Maḥḥas), v. J. Fück, in *EI*, I, *GAL*, I, 137; *SI*, 209; *Kahh*, X, 195. Son grand père étant mort en 222/836-7 (Subkī, *Ṭabaqāt*, II, 64, n° 9; Sam'ānī, *Ansāb*, I, 122: m. 212, date rejetée par Subkī), on peut supposer raisonnablement que lui-même mourut après 241, comme l'indiquent des événements qu'il signale dans son livre. Br. a probablement raison qui le fait mourir peu après 244/858, à la suite de Wüstenfeld. Sam'ānī, *ibid.*, a 200, avec un blanc, montrant qu'il ne savait pas combien d'années après 200!

Nous n'avons pas fait suivre son nom d'une ethnique, tout comme Br. En effet, afin de faire oublier son humble origine, la famille prétendit descendre d'un clan des Taghlibites, puis de la famille royale ghassanide. En fait, il semblerait que l'ancêtre de la famille était un esclave byzantin, d'où al-Azraq (l'homme aux yeux bleus). Il se rangea aux côtés de Mahomet, lors du siège de Taef (8/630), fut affranchi et s'établit à La Mecque. L'Histoire présentée ici est une œuvre familiale qui contient beaucoup de données collectées, entre autres, par le grand-père de l'A., Abū al-Walīd Aḥmad b. M. b. al-Walīd b. 'Uqba b. al-Azraq (J. Fück, «der Ahn des Azraqī», in *Studi orientalistici in onore di Giorgio Levi Della Vida*, Rome, I, 1956, 336-40). Elle renferme aussi des ajouts postérieurs à notre auteur, ainsi que l'avait déjà montré Wüstenfeld.

F. Wüstenfeld; *Die Chroniken der Stadt Mekka*, I, *Geschichte und Beschreibung der Stadt Mekka* [K. *Akhbār Makka*], von Abu-Walid Muhammad ben Abdallah el-Azraqī, nach den Handschriften zu Berlin, Gotha, Leyden, Paris und Petersburg, auf Kosten der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft herausgegeben von Ferdinand Wüstenfeld, Leipzig, FA. Brockhaus (in Commission bei), 1858, XXX+518 p. [L'ensemble, *Die Chroniken der Stadt Mekka*, I-IV, 1857-61, a été réimprimé à Beyrouth, Khayat, 1964; I-IV en I, Hildesheim, G. Olms, 1981]; *Akhbār Makka wa mā fiḥā min al-āthār*, I-IV, éd. Rushdī al-Šāliḥ Maḥḥas, La Mecque, al-Maṭba'a al-majdiyya, 1352-7/1933-8; réimpr. I-IV en I, Beyrouth, Dār al-Andalus, 1969²; Beyrouth, Dār al-Thaqāfa/La Mecque, Maṭābī' Dār al-Thaqāfa, 1399/1979³ toujours même éd., réimpr. La Mecque, Dār al-Thaqāfa, 1996: texte établi à partir de l'éd. Wüstenfeld et de trois mss.: 1. Médine, Maḥmūdiyya 53 ta'riḥ, 278 f., ni date, ni copiste, incomplet, mais avec chaîne de transmission de l'ouvrage. 2. Médine Maḥmūdiyya, 96 ta'riḥ, 407 f., complet, mais avec plus de lacunes que le précédent, avec chaîne de transmission. 3. ms. du Cheikh 'Abd al-Sattār al-Dihlawī de la Mecque, copié par lui d'un ms. de DK., complet en deux parties, 285+233 p. Selon l'édit., le texte de ce ms. est si proche de l'éd. Wüstenfeld que l'on serait tenté de penser qu'il a été copié d'elle.

Ici éd. commerciale, même si l'édit. mentionne le ms. russe 607 B, microf. IMA 2186 ta'riḥ, ca. VI^{ème} s. En fait, il a, dans le meilleur des cas, copié le texte de l'éd. Wüstenfeld, ou l'éd. orientale, qui a de toute façon été faite sur la base de l'éd. Wüstenfeld.

13 AÛG 2009